

## Satrap of Media in the Parthian Era

(From the Rise of the Parthians to the End of Phraates IV's Reign)

Shahram Jalilian\*

Farshid Naderi\*\*, Zohreh Taghipour Birgani\*\*\*

### Abstract

The Parthian Empire (247 B. C-224 A. D) consisted of independent and semi-independent satrapies and principalities that ruled under the command of the king. The Seleucid government tried to achieve independence, but with the rise of the Parthians, by joining them, this state became a military center against the invasion of foreigners. This article is an attempt to The answer to the question that what effect did this land have on the political developments of the Parthian era from the beginning of the Parthian rule (247 B. C) to the end of Farhad IV's reign (33-40 B. C)? Against the Seleucids, by joining the movement of the Parthians, they were able to prepare the ground for the decline of the Seleucids from Iran. The first Parthian kings, who were aware of the importance of Media to protect the western borders from the attacks of foreigners, tried to consolidate their rule over it. However, This region became a crisis for them during the period of weakness of the Parthian kingdom system and in the succession struggles. The Parthian princes tried to regain their independence in order to reach the kingdom, but the separatist tendencies of Media can be considered related to the political conditions and the authority of the Parthian princes.

**Keywords:** Arsacid, Median Satrapies, Seleucids, Princes' Rivalry, Romans.

\* Professor, Department of History Shahid Chamran University of Ahvaz, sh.jalilian@scu.ac.ir

\*\* Associate Professor Department of History Shaid Chamran University of Ahvaz, F.naderi@scu.sc.ir

\*\*\* PhD student of Ancient Iranian history, Ferdowsi University of Mashhad, (Corresponding Author), zohrehtaghipour1371@gmail.com

Date received:2022/08/27, Date of acceptance: 2022/12/05



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## ساتراپ‌نشین ماد در عصر اشکانی

(از خیزش اشکانیان تا پایان پادشاهی فرهاد چهارم)

شهرام جلیلیان\*

فرشید نادری\*\*، زهره تقی‌پور بیرگانی\*\*\*

### چکیده

شاهنشاهی اشکانی (۲۴۷ پ.م - ۲۲۴ م) از ساتراپی‌ها و شاهک‌نشین‌های مستقل و نیمه‌مستقل تشکیل شده بود که تحت فرمان پادشاه حکومت می‌کردند. در این میان، ساتراپی ماد در دوره جانشینان اسکندر گاه به‌طور مستقل و گاه تحت حاکمیت سلوکیان برای دست‌یابی به استقلال می‌کوشیدند، اما با برآمدن اشکانیان و با پیوستن به آنها این ایالت به کانون نظامی در برابر استیلای بیگانگان تبدیل شد. در این مقاله با شیوه توصیفی - تحلیلی و به کمک منابع گوناگون و با هدف پاسخ‌گویی به این پرسش که سرزمین ساتراپی ماد چه تأثیری در تحولات سیاسی عصر اشکانی از آغاز فرمانروایی اشکانیان (۲۴۷ پ.م) تا پایان پادشاهی فرهاد چهارم (۴۰-۳۳ پ.م) داشته ارائه شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که ساتراپی ماد هنگام خیزش اشکانیان در برابر سلوکیان با پیوستن به جنبش پارتیان توانستند زمینه زوال سلوکیان از ایران را فراهم کنند. نخستین پادشاهان اشکانی که به اهمیت ماد برای مصون ماندن مرزهای غربی از گزند بیگانگان آگاه بودند، برای تحکیم فرمانروایی خود بر آن جا می‌کوشیدند. با این همه، این منطقه در دوره ضعف دستگاه پادشاهی اشکانیان

\* استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز، sh.jalilian@scu.ac.ir

\*\* استادیار تاریخ ایران باستان، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز، f.naderi@scu.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

zohrehtaghypour1371@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴



و در ستیزهای جانشینی برای آن‌ها بحران‌ساز شد. هرچند ماده‌ها در کشاکش‌های میان شاهزادگان پارتی برای رسیدن به پادشاهی برای بازیابی استقلال خود تلاش می‌کردند، گرایش‌های جدایی‌خواهانه ماد را می‌توان به شرایط سیاسی و اقتدار شه‌ریاران اشکانی وابسته دانست.

**کلیدواژه‌ها:** اشکانیان، ساتراپی ماد، سلوکیان، ستیز شاهزادگان، رومیان.

## ۱. مقدمه

شاهنشاهی اشکانی که توسط آرشک در سال ۲۴۷ پم در منطقه پارت بنیان نهاده شد و بعدها در دوره جانشینانش بر گستره آن افزوده شد، از ساتراپی‌ها و شاهک‌نشین‌های مستقل و نیمه‌مستقل تشکیل شده بود که تحت فرمان پادشاه حکومت می‌کردند. برخی از شاهک‌نشین‌ها در امور داخلی مستقل بودند و برخی دیگر نیز متحد اشکانیان به‌شمار می‌آمدند. شاهزادگان پارتی پاره‌ای از این پادشاهی‌ها را اداره می‌کردند و بخش‌های دیگر تحت فرمان خاندان‌های محلی، که تابعیت پارتیان را پذیرفته بودند، اداره می‌شد.

پلینی (Pliny)، جغرافی‌دان رومی، از پادشاهی‌هایی هم‌چون «پارس، الیمایی، مسن (خاراکنه)، هتره، اوسروئنه، آدیابنه، ماد، و...» یاد می‌کند که تابع پادشاهان پارتی بوده‌اند (Pliny 1855: vol. VI, 285). در این میان، ساتراپی ماد یکی از ایالت‌های مهم در دوره اشکانیان بود که از همان ابتدا دست‌یابی به آن برای پارتیان در جهت تثبیت قدرت و حفظ قلمرو از تهاجمات دشمنان بااهمیت انگاشته می‌شد. همان‌گونه‌که ولسکی (Wolski) خاطر نشان می‌کند: «سرزمین ماد برای اشکانیان نقش جبهه مقدم و سپر دفاعی را داشت و اکثر جنگ‌ها با سلوکیان و رومیان برای جلوگیری از رخنه ایشان به ایران در آن‌جا انجام می‌گرفت» (ولسکی ۱۳۸۳: ۹۵). بوشالار نیز هم‌داستان با ولسکی به اهمیت نظامی ماد در دوره اشکانیان اشاره کرده است. به‌گفته وی «در بافتار تاریخی چیرگی اشکانیان بر میان‌رودان در برابر آخرین شاهان سلوکی و دهه‌های دشوار نخستین فرمان‌روایی، اکباتان نقش بسیار مهمی بازی کرد و نخستین مکان نظامی بود» (بوشالار ۱۳۹۲: ۲۳۹).

ماده‌ها تا پیش از خیزش اشکانیان و در دوره جانشینان اسکندر گاهی به‌طور مستقل و گاه تحت حاکمیت فرمان‌دهان سلوکی برای دست‌یابی به استقلال می‌کوشیدند، اما در این برهه با پیوستن به جنبش پارتیان سرزمین آن‌ها به کانون مقاومت در برابر تهاجمات بیگانگان تبدیل شده بود. با این حال، شواهد و گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که ساتراپی ماد در

دوره آشفستگی دستگاه پادشاهی اشکانیان با بروز تمایلات استقلال‌طلبانه برای پارتیان بحران آفرید. پرسش این‌جاست که پیوستن ساتراپی ماد به قلمرو اشکانیان چه تأثیری در تحولات سیاسی آن از آغاز فرمان‌روایی اشکانیان (۲۴۷ پم) تا پایان پادشاهی فرهاد چهارم (۴۰-۲۳ پم) داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش ضروری است به نقش ایالت ماد در تحولات سیاسی اشکانیان توجه داشت. یادآوری این نکته لازم است که باتوجه‌به این‌که داده‌ها و شواهد تاریخی تحولات سیاسی ساتراپی ماد بزرگ را تا دوره پادشاهی فرهاد چهارم پوشش می‌دهند، بر این اساس، در این پژوهش سعی شده است تا اوضاع سیاسی ماد بزرگ تا این بازه زمانی موردبررسی قرار گیرد.

باوجود پژوهش‌های فراوانی که درباره تاریخ ایران در دوره اشکانیان انجام شده، به این مسئله چندان پرداخته نشده است. برخی از پژوهش‌گران تاریخ اشکانی هم‌چون یوزف ولسکی (Józef Wolski) (۱۳۸۳) و کلاوس شپیمن (Klaus Schippmann) (۱۳۸۴) تنها هنگام گزارش تاریخ سیاسی پارتیان، با اشاره‌های مختصری که درباره سرزمین ماد به‌دست داده‌اند، از این موضوع شتاب‌زده گذشته‌اند. ازسوی‌دیگر، پژوهندگان ایرانی هم‌چون رحیم رئیس‌نیا در کتاب *آذربایجان در سیر تاریخ ایران از آغاز تا اسلام* و پرویز ادکایی در کتاب *همدان‌نامه* به‌طور مختصر به فتح ساتراپی ماد توسط اشکانیان پرداخته‌اند (رئیس‌نیا ۱۳۶۸؛ ادکایی ۱۳۸۰). گذشته‌ازاین‌ها، در پژوهش‌هایی که از سوی اقرار علی‌یف و درخصوص ایالت ماد انجام شده است، اطلاعاتی درباره اوضاع ماد بزرگ در دوره اشکانیان به‌چشم می‌خورد (علی‌یف ۱۳۹۱). حمیدرضا پیغمبری نیز در مقاله‌ای با عنوان «اهمیت سرزمین ماد بزرگ در تحولات ایران در دوره یونانی‌مآبی» نقش ساتراپی ماد را در تحولات سیاسی ایران در فاصله سقوط هخامنشیان تا استقرار حکومت اشکانیان بررسی کرده است که در خلال گزارش‌های وی آگاهی‌هایی درباره ستیزهای اشکانیان با سلوکیان برای دستیابی به سرزمین ماد دیده می‌شود (پیغمبری ۱۳۹۷). کمبود منابع مکتوب در این خصوص ما را به‌سوی مطالعه داده‌های باستان‌شناسی که در جریان کاوش‌هایی که در محوطه هگمتانه به‌دست آمده است هدایت می‌کند؛ چراکه این یافته‌ها به درک بهتر تأثیر سرزمین ماد در روی‌دادهایی که در عصر پارتیان رخ داده است، کمک می‌کند. بررسی یافته‌های باستان‌شناسی اطلاعاتی را درباره اهمیت اکباتان و ماد به‌عنوان نخستین مکان نظامی و مقرر سلطنتی پادشاهان پارتی ارائه می‌دهد. ازسوی‌دیگر، شواهد سکه‌شناختی، به‌منزله منبعی دست‌اول، می‌تواند در بازسازی تحولات سیاسی این دوره راه‌گشا باشد. باتوجه‌به خاموشی نسبی تحقیقات یادشده

درخصوص سرزمین ماد بزرگ در دوره پارتیان، پژوهش حاضر با تکیه بر گزارش های تاریخی و شواهد باستان شناسی و سکه شناختی به موضوع تأثیر پیوستن ساتراپی ماد به قلمرو اشکانیان با توجه به نقش آن ها در تحولات سیاسی عصر اشکانی می پردازد.

## ۲. گستره جغرافیایی ماد

سرزمینی که در دوره باستان از آن با نام ماد یاد شده است دارای گستره وسیعی بود که از رود ارس در شمال تا مرزهای پارس و خوزستان در جنوب و از سوی شرق تا دشت کویر و از غرب تا کوه های زاگرس می رسیده است (دیاکونف ۱۳۷۱: ۷۲-۹۲). گه گاه به گستره این پهنه جغرافیایی افزوده می شد و بخش هایی از سرزمین پارس، اورارتو، سیستان، کرمان، بلوچستان، مکران، هرات، خوارزم، و سغد را در بر می گرفت (جلیلیان ۱۳۹۶: ۱۳۶؛ هم چنین، بنگرید به فرای ۱۳۸۲: ۳۰-۱۳۲). با این همه، محدوده ساتراپی ماد در دوره های مختلف دچار تغییراتی شده بود. در عصر هخامنشیان (۵۵۹-۳۳۳ پم) ساتراپی ماد یکی از مهم ترین استان های شاهنشاهی هخامنشی به شمار می آمد که از سوی شمال به کوه رود (که رود) و از سوی شرق تا دروازه خزر و از غرب به علیای دجله و از جنوب تا پارسه و رشته کوه های زاگرس می رسیده است (دیاکونف ۱۳۸۷: ۸۲؛ ملازاده ۱۳۹۳: ۷۱).

پلینی در تاریخ طبیعی خود قلمرو شاهنشاهی اشکانی را به دو بخش علیا و سفلا تقسیم می کند. به عقیده او بخش سفلا شامل هفت ساتراپی ۱. بین النهرین و بابل، ۲. آپولونیاتیس (در سوریه)، ۳. خالونیتیسس، ۴. کارنبا، ۵. کامبادنه (پیرامون کرمانشاه)، ۶. ماد علیا و ۷. ماد سفلا می شد و بخش علیا یازده شاهک نشین از جمله خورنه، قومس، گرگان، و... را در بر می گرفت (Pliny 1855: vol. VI, 284, 285). دیاکونف (Diakonoff) نیز هم داستان با پلینی، سرزمین ماد را دارای دو بخش، ماد بزرگ (هگمتانه، سرزمین رگه، اصفهان، کاشان، سرزمین باستانی، و کاسپیان) و ماد کوچک یا ماد آتروپاتن (سرزمین آذربایجان و کردستان ایران) می داند (دیاکونف ۱۳۸۷: ۹۰-۹۲؛ بنگرید به جلیلیان ۱۳۹۶: ۱۳۶) ماد آتروپاتن پس از مرگ اسکندر و از حدود سال ۳۲۱ پم توسط آتروپات، ساتراپ ماد، از بخش اصلی ساتراپی ماد جدا شد، ولی سرزمین ماد بزرگ به مرکزیت هگمتانه که در دوره هخامنشیان پایتخت سلطنتی پادشاهان پارس بود، در طی عصر سلوکیان به عنوان کرسی یک فرمان دهی و در زمان اشکانیان نیز به عنوان اقامتگاه سلطنتی مورد توجه بود. ماد این جایگاه برجسته را به سبب موقعیت جغرافیایی اش که تقاطع امپراتوری ها و پادشاهی های مختلف در هزاره اول

پیش از میلاد قرار گرفته بود، به‌دست آورد (Schippmann 1986: 222). در گزارشی که خاراکسی (Characenus) از پهنه جغرافیایی ماد بزرگ در دوره پارتیان ارائه می‌دهد، گستره این ساتراپی از ناحیه کامبادنه (کرمانشاه) و شهر بگستانا آغاز می‌شود و تا آدراپانا اقامتگاه پادشاهانی که در اکباتانا فرمان‌روایی می‌کردند، امتداد می‌یابد. سپس، وی از شهر ری و خاراکس نیز در محدوده ساتراپی ماد یاد می‌کند که مرزهای خاراکس تا آنسوی دروازه‌های کاسپین می‌رسیده است (خاراکسی ۱۳۹۲: ۲۵-۲۷).

### ۳. ساتراپی ماد در آستانه خیزش اشکانیان

اشکانیان از قوم «پَرنی» و از اتحادیه قبایل «داهه» بودند<sup>۱</sup> که هم‌زمان با فرمان‌روایی آنتیوخوس یکم (۲۸۱-۲۶۱ پم) و آنتیوخوس دوم (۲۶۱-۲۴۶ پم) از دشت‌های میان رود جیحون و سیحون به سوی شمال استان پارت آمدند (Deblois and Vogelsang 1993: 151; Lecoq 1986: 581). دیرزمانی نگذشت که هم‌جواری پَرنی‌ها با مرزهای پادشاهی سلوکیان فرمان‌روایی آن‌ها را در ایران به‌چالش کشانید.

آرشک، رهبر قبیله پَرنی، از اوضاع شکننده زمان پادشاهی آنتیوخوس دوم و ناآرامی‌های عصر سلطنت سلوکوس دوم که جانشین فرمان‌روای پیشین سلوکی شده بود بهره برد و هیرکانیا و پارت را تصرف کرد (Strootman 2018: 135; Schippmann 2012: 525; Fry 1985: 26).

فرمان‌روایی نوپایی که آرشک در دو ایالت بزرگ پارت و هیرکانی بنیان نهاده بود، بعدها در دوره جانشینانش پهناورتر شد. پس از مرگ آرشک در سال ۲۱۷ پم پسرش آرشک دوم<sup>۲</sup> (۱۹۱-۲۷۱ پم) به پادشاهی رسید. او در ابتدای فرمان‌روایی خود از گرفتاری‌های آنتیوخوس سوم (۱۸۷-۲۲۳ پم) بهره برد و توانست بخش‌هایی از کومیسنه و خوارنه را به‌تصرف خود در آورد و قلمروش را تا سرزمین ماد گسترش دهد (Lerner 1999: 45). هم‌زمان با تلاش‌های اشکانیان برای دستیابی به قدرت و زوال تدریجی سلوکیان در نواحی غربی فلات ایران، از جمله در سرزمین ماد، شورش به‌فرمان‌دهی مولون رخ داد. ستیزها و کشاکش‌های میان آنتیوخوس و بطلمیوس چهارم مجال را برای مولون فراهم کرد تا پس از محاصره سلوکیه و فتح بابل خود را پادشاه بخواند (دوبواز ۱۳۴۲: ۱۰؛ پیغمبری ۱۳۹۷: ۵۱).

آنتیوخوس با آگاه شدن از اوضاع از هم گسیخته سلوکیان در شرق برای فرونشاندن شورش‌های استقلال طلبانه و بازیابی سیطره سلوکیان سفر جنگی خود را به شرق آغاز کرد. او، پس از درهم شکستن مولون در ماد، فردی از اهالی شوش به نام دیوجنیس (Diogenes) را به ساتراپی ماد برگزید (دوبواز ۱۳۴۲: ۱۱)؛ سپس، به سوی سرزمین‌هایی که پارتیان تصرف کرده بودند، رهسپار شد.

آرشک دوم هنگامی که با تهاجم آنتیوخوس مواجه شد، نه تنها ناگزیر شد از منطقه ماد که تصرف کرده بود عقب‌نشینی کند، بلکه حتی پارت و هیرکانیا را نیز رها کرد و به سوی منطقه آپاسیاک‌ها پناه برد. پادشاه سلوکی تا هکاتومپیلوس پیش تاخت و شهرهای هیرکانیا، تمبرکس (Tambrax)، و سیرنیکس (Sirynx) را تصرف کرد (Grainger 2015: 13, 14; Polybius 2010: vol. X, 331; شپیمان ۱۳۸۴: ۲۹).

به گزارش ژوستن (Justin) آنتیوخوس با آرشک پیمانی منعقد کرد (Justin 1994: vol. XLI, 256) که در مورد مضمون آن اطلاعی نداریم، اما احتمالاً آرشک حاکمیت نیمه رسمی آنتیوخوس را پذیرفته است. از سوی دیگر، پادشاه سلوکی هم عنوان شهرداری آرشک را به رسمیت شناخت.

تهاجم آنتیوخوس سوم مانع سلطه پارتیان بر ساتراپی ماد شد و پس از حکومت کوتاه دیوجنیس در ماد، بار دیگر حاکمی از جانب سلوکیان به فرمانروایی این ناحیه منصوب شد. آنتیوخوس چهارم (۱۶۴-۱۷۵ پم) که جانشین پادشاه پیشین سلوکی شده بود، یکی از مقربان دربارش به نام تیمارخوس ملطی را به حکمرانی ماد گماشت (Grainger 2015: 58)؛ گوتشمید (۱۳۸۸: ۶۶). تیمارخوس در طی فرمانروایی خود تلاش کرد تا با کمک آرتاکسیاس، پادشاه ارمنستان، ایالت ماد را از نفوذ سلوکیان بیرون آورد. او پس از مرگ آنتیوخوس چهارم، بابل را گشود و به نام خود سکه ضرب کرد و اهالی ماد را به هم‌پیمانی با خود برضد دمتریوس یکم (۱۶۱-۱۵۰ پم)، پادشاه سلوکی، وادار کرد. شکست تیمارخوس در برابر دمتریوس بار دیگر این سرزمین را به قلمرو سلوکیان بازگرداند (گوتشمید ۱۳۸۸: ۶۶).

از سوی دیگر، فرهاد یکم (۱۷۶-۱۷۱ پم) که جانشین برادرش فری‌یابت (۱۹۱-۱۷۶ پم) شده بود، نه تنها قلمرو اشکانیان را تا دروازه‌های خزر گسترش داد، بلکه توانست راه پیش روی پارتیان به سوی ماد را، که هنوز از پایگاه‌های استوار سلوکیان بود، هموار کند. با وجود این، تصرف ماد به عهده پسر و جانشینش مهرداد یکم (۱۷۱-۱۳۸ پم) گذاشته شد



(بیوار ۱۳۹۲: ۱۳۳). متزلزل شدن سلطه سلوکیان بر ساتراپی ماد مجالی برای مهرداد فراهم کرد تا پس از لشکرکشی علیه پادشاهی یونانی - باختری به سوی مناطق غربی و ماد پیش روی کند. او با گشودن سرزمین ماد فردی به نام باکاسیس<sup>۳</sup> را به ساتراپی ماد برگزید (Justin 1994: vol. XLI, 257). این اقدام جهت‌گیری جدید سیاست اشکانیان را نشان می‌دهد. هنگامی که آن‌ها سرزمینی را می‌گشودند، یا به ایالتی تحت‌اداره فرمان‌روایان تبدیل می‌کردند یا حاکمان پیشین را به‌عنوان دست‌نشاندهگان خود بر آن سرزمین ابقا می‌کردند، اما تیمارخوس فردی یونانی و فرمان‌روایی شورش‌ی بود و این عوامل مانع از آن بود که پارتیان او را به‌عنوان دست‌نشانده خود برگزینند (ولسکی ۱۳۸۳: ۹۵). احتمالاً مهرداد یکم برای تحکیم فرمان‌روایی‌اش بر ماد و برای مصون‌ماندن ایالت‌های غربی از گزند سلوکیان و بیگانگان سیاست برقراری پیوند میان مادها و پارتیان را در پیش گرفت.

بنابه باور برخی از پژوهش‌گران، مهرداد یکم برای تحقق این هدف احتمالاً دخترش، رینو، را به ازدواج اشراف‌زاده مادی درآورد و با انتخاب اکباتان به‌عنوان مقرر پادشاهی اشکانیان شاه‌زادگان پارتی از جمله برادرش، فرهاد دوم (۱۳۹-۱۲۸ پ.م)، را به فرمان‌روایی ماد گماشت (Daryaei 2015: 286; Overtoom 2018: 134). مهرداد سپس به سوی ماد آتروپاتن پیش رفت و این منطقه را به متصرفات خود افزود (Olbrycht 2010: 235). هدف بعدی شاهنشاه اشکانی تصرف بابل و سلوکیه بود. او با سازمان‌دهی سپاهیان در اکباتان و با یاری اهالی ماد بابل و سلوکیه را تصرف کرد و تا شهر اورک در جنوب میان‌رودان پیش تاخت (Overtoom 2018: 138). هرچند شهریار پارتی توانست ماد را فتح کند، به‌نظر می‌رسد هم‌چنان بخش‌هایی از ماد تحت فرمان‌روایی سلوکیان بود؛ زیرا کتیبه‌ای یونانی در بیستون از فردی به نام کلئومنس به‌عنوان فرمان‌روایی ساتراپ‌های علیا نام می‌برد (بیوار ۱۳۹۳: ۱۳۵؛ پیغمبری ۱۳۹۷: ۵۳؛ بنگرید به کرتیس و استوارت ۱۳۹۲: ۳۱). دمتریوس دوم (۱۵۰-۱۳۸ پ.م)، که درگیر جنگ با تریفون غاصب بود، از فتوحات مهرداد بیم‌ناک شد و پس از غلبه بر تریفون، سپاهیان را فرام کرد تا به ماد حمله کند.

ساکنان یونانی - مقدونی ساتراپی ماد در پیغام خود به پادشاه سلوکی یادآور شدند که اگر او به سوی آن‌ها بیاید، پادشاه پارت را شکست خواهند داد (گوتشمید ۱۳۸۸: ۷۶).

دمتریوس به میان‌رودان آمد و سپس راهی ساتراپ‌نشین‌های علیا شد. شاهنشاه اشکانی که مرزهای فرومان‌روایی‌اش از سوی اقوام چادرنشین شمال شرقی تهدید شده بود، وظیفه رویارویی با دمتریوس را به فرمان‌دهانش سپرد و خود به نبرد با مهاجمان شرقی رفت.

دمتریوس با پشتیبانی حکومت‌های کوچک محلی، هم‌چون اهالی پارس، الیمایی، و یونانی-باختری که ترجیح می‌دادند با سلوکیان روبه‌زوال هم‌پیمان شوند، نه یک فرمان‌روایی نوپای ایرانی، به جنگ پارتیان رفت (Dabrowa 1999: 15). او پس از پیروزی‌های ابتدایی، سرانجام در نبردی که در سال ۱۳۹ پم در ماد روی داد، شکست خورد و دربند به دربار مهرداد آورده شد و مورد‌مهربانی شاهنشاه قرار گرفت و با او رفتاری درخور شأن شاهانه‌اش صورت گرفت (ibid.; Justin 1994: vol. 36, 230).

با مرگ مهرداد یکم پسرش، فرهاد دوم که باید حتی خیلی جوان بوده باشد، به پادشاهی رسید؛ چراکه در آغاز کار مادرش چندی نیابت سلطنت وی را برعهده داشت. در زمان شهریاری وی که چندی نیز مادرش نیابت سلطنت را برعهده داشت، آنتیوخوس هفتم (۱۳۷-۱۲۸ پم) (سیدتس)، برادر دمتریوس که در این هنگام هنوز در اسارت پارتیان بود، برای جلوگیری از فروپاشی فرمان‌روایی ازهم‌گسیخته سلوکیان در ایران به ماد لشکرکشی کرد. او در طی چند جنگ با شکست‌دادن ایداتیس (Idates) و انیوس (Enius)، سرداران اشکانی، توانست بابل و ماد را از آن‌ها بازستاند و به‌همراه سپاهیان در ماد اقامت گزیند (Wolski 1981: 109). فرهاد در ابتدا در صدد صلح برآمد، اما شرایط آنتیوخوس مبنی بر استرداد تمامی سرزمین‌های تصرف شده و پرداخت باج و آزادی دمتریوس برای پارتیان دشوار بود و ناگزیر از انجام جنگ شدند (Wolski 1988: 83؛ گوتشمید ۱۳۸۸: ۱۰۲؛ شیپمان ۱۳۸۴: ۳۵، ۳۶).

شهریار اشکانی دمتریوس را به‌همراه سپاهیان پارتی به سوریه بازگرداند تا آنتیوخوس را به بازگشت به سوریه وادار کند تا در غیاب آنتیوخوس رقیبی در سلطنت برای او ایجاد کرده باشد، اما ناخرسندی و شورش اهالی ماد علیه بی‌بندوباری سربازان آنتیوخوس و ستم‌گری‌های آتنه ئوس، سردار سلوکی، سبب شد مادها با پارتیان در بیرون‌راندن سلوکیان هم‌پیمان شوند. سرانجام در نبردی که در ماد رخ داد، آنتیوخوس شکست خورد و کشته شد (Wolski 1988: 84, 85; Strooman 2018: 136, 137). هم‌پیمانی اشکانیان با ساتراپی ماد، که چندین سال صحنه تاخت‌وتاز سلوکیان شده بود، نیازمند آن بود که مادها در این دوره دارای پایگاه‌های نظامی و سپاهی کارآمد بوده باشند. کاوش‌های باستان‌شناختی در اکباتان نیز اهمیت سرزمین ماد را به‌عنوان یک استقرارگاه نظامی در دوره اشکانیان نشان می‌دهد. معماری تپه هگمتانه دلالت بر ساخت و سازی باشکوه برای میزبانی یک سپاه همواره مستقر در همدان دارد (بوشالار ۱۳۹۲: ۲۳۹). هم‌چنین، این داده‌ها به استمرار نقش نظامی این

ساتراپی در رویارویی پادشاهان اشکانی با امپراتوری روم تأکید می‌کند. پارتیان پس از دست‌یابی به ماد آن را تختگاه تابستانی خود قرار دادند و آنچه را که بر اثر تهاجمات پادشاهان سلوکی به ماد ویران شده بود، بازسازی کردند و کاخ‌ها و باروهای جدیدی را بنا نهادند (ملک‌زاده بیانی ۱۳۵۳: ۱۹).

### ۱.۳ نقش ساتراپی ماد در ستیزهای شاهزادگان اشکانی

اشکانیان با پیش‌روی به‌سوی غرب در زمان مهرداد دوم (۱۲۴-۸۷ پم) که جانشین پدرش اردوان یکم (۱۲۷-۱۲۳ پم) شده بود، توانستند بخش وسیعی از میان‌رودان شمالی را به قلمرو خود ضمیمه کنند (Dabrowa 2010: 29؛ مشکور ۱۳۵۰: ۱۷۲؛ ولسکی ۱۳۸۳: ۱۰۲، ۱۰۳).

شاهنشاه اشکانی در سال ۱۱۳ پم دورا اروپوس را گشود و سه پادشاهی آدیابنه، گوردینه، و اُسروئنه را دست‌نشانده پارتیان کرد. او با انتصاب داریوش،<sup>۴</sup> شاهزاده پارتی، به فرمان‌روایی ماد، با حمایت اهالی ماد و هیرکانیا به‌سوی ارمنستان رفت (Nodooshan 2005: 125; Overtoom 2016: 134, 135). مهرداد، در طی جنگی آرتاوازد، فرمان‌روای ارمنستان را شکست داد و پسرش، تیگران دوم (۹۵-۵۵ پم)، را بر تخت سلطنت ارمنستان نشانید.

در سال‌های پایانی پادشاهی مهرداد دوم، در ماد میان داریوش و خاندان‌های محلی ستیزها و اختلاف‌هایی به‌وجود آمده بود و از سوی دیگر، اوضاع شاهنشاهی اشکانی بر اثر کشاکش‌های میان اشراف و شاهزادگان چنان گسیخته و آشفته شده بود که سبب تشدید گرایش مناطق نیمه‌مستقل برای دست‌یابی به استقلال و خارج‌شدن از سلطه حکام پارتی شد (Mcdowell 1935: 189). در این میان، ساتراپی ماد از این فرصت بهره‌برد و تمایلات جدایی‌خواهانه خود را بروز داد. با توجه به کمبود منابع مکتوب در خصوص سرزمین ماد بزرگ در دوره اشکانیان، شواهد سکه‌شناسی می‌تواند تاحدودی در بازسازی تصویر گرایش‌های استقلال‌طلبانه ماد در عصر ناآرام دربار پارتیان مؤثر باشد.

مطالعه تطبیقی سکه‌های اشکانی نشان می‌دهد تا زمان مهرداد دوم سکه‌های مشابهی از این پادشاه در ضرب‌خانه اکباتان و ماد آتروپاتن ضرب می‌شد، اما با کاهش اقتدار پارتیان در ماد، ضرب سکه‌های او در حدود سال ۹۱/۹۲ پم در اکباتان قطع شد و با قدرت‌گیری خاندان‌های محلی تنها سکه‌هایی از آن‌ها در ضرب‌خانه ماد ضرب می‌شد (Nodooshan 2005: 127). این درحالی است که در ماد آتروپاتن و گه‌گاه در سکه‌خانه شوش سکه‌هایی از مهرداد هم‌چنان ضرب می‌شد (Mcdowell 1935: 192). از سوی دیگر،

در خلال گزارش‌ها و شواهد تاریخی می‌توان ردپای سرزمین ماد را در ستیزهای شاهزادگان اشکانی برای رسیدن به سلطنت دید. آن‌ها با سپردن نیروهای نظامی خود به شاهزادگان اشکانی معارض قدرت شاهنشاه می‌شدند و با یاری‌رساندن به این شاهزادگان می‌کوشیدند این رقابت‌ها را گسترده‌تر کنند تا بتوانند استقلال خود را بازیابند. هم‌چنان‌که فردی با نام گودرز (۹۰/۹۱-۸۰ پم) از مشکلات مهرداد دوم استفاده کرد و وارد جنگ قدرت با شاهنشاهی اشکانی برای دست‌یابی به تاج و تخت شد. گودرز در بابل خود را «شاه شاهان» خواند (Boyce 2003: 32). سپس، به سرزمین ماد لشکرکشی کرد و در نبردی که در کوهستان‌های ماد رخ داد، ساکنان این ایالت با تهیه نیروی نظامی برای وی از او در مقابل مهرداد دوم جانب‌داری کردند و توانستند شهریار پارتی را شکست دهند (Rawlinson 1873: 259-261؛ بنگرید به اذکایی ۱۳۸۰: ۶۷-۶۹). به‌نظر می‌رسد مادها در دوره‌ی ازهم‌گسیختگی دربار اشکانیان به دست‌آویز مهمی برای رسیدن به استقلال دست یافتند و آن‌هم حمایت از شاهزادگان مخالف سلطنت بود تا از این طریق ستیزهای جانشینی را تداوم دهند و مجالی برای مداخله پارتیان در امور سرزمین ماد باقی نماند و فرمان‌روایی بر این ساتراپی را تحت سلطه خود درآوردند.

بر مبنای مطالعات سکه‌شناسی نمی‌توان این احتمال را نادیده گرفت که گودرز فراتر از بابل و ماد نیز شاهنشاه رقیب مهرداد دوم بوده است؛ چراکه تعدادی در اخم باقی‌مانده از گودرز نشان می‌دهد حیطة نفوذ وی تا هیرکانیا و مرو هم رسیده است (شپیمان ۱۳۸۴: ۴۰؛ ولسکی ۱۳۸۳: ۱۱۰). با مرگ مهرداد دوم و ازهم‌گسیختگی اشکانیان به سبب ستیزهای داخلی از یک‌سو و از سوی دیگر، کشاکش‌های پارتیان و ساتراپی ماد، که روزبه‌روز اقتدارشان بر اشکانیان فزونی می‌گرفت، مجالی برای تیگران، پادشاه ارمنستان، به‌وجود آورد تا به سرزمین‌های غربی و ایالت ماد یورش برد.

تیگران از همان سال‌های نخست فرمان‌روایی‌اش سیاست توسعه‌طلبانه‌ای در مقابل همسایگان خود در پیش گرفت (Strabo 1928: vol. XI, 329; Dabrowa 2010: 30). او نواحی شمال میان‌رودان را تصرف کرد. سپس، با گشودن ماد به تخت‌گاه اشکانیان در اکباتان رسید و کاخ پادشاهی آدراپانا (Adrapana) در ماد را به‌آتش کشید و با تصرف ماد آتروپاتن و با پیروزی بر پارتیان خود را «شاهنشاه» خواند (Dabrowa 2010: 30؛ گوتشمید ۱۳۸۸: ۱۰۸؛ مشکور ۱۳۵۰: ۱۸۳). احتمالاً تیگران پس از فتح اکباتان نتوانست فرمان‌روایی خود را بر این منطقه به‌سبب اقتدار خاندان‌های محلی ماد مستحکم کند، اما با برقراری اتحاد و دوستی با

ماد کوچک توانست آن‌ها را با سیاست‌های خود هم‌سو کند (علی‌یف ۱۳۹۱: ۱۱۷).<sup>۵</sup> گودرز با وجود آن‌که با یاری اهالی ماد توانست به پیروزی دست یابد، فرمان‌روایی وی چندان به درازا نکشید تا این‌که بعدها پادشاه جدید به نام اُرد (اُردس) در اسناد بابل ظاهر می‌شود (شییمان ۱۳۸۴: ۴۱). برای اُرد نیز سلطنت کوتاهی مقدر شده بود و پس از او به‌ترتیب سیناتروک (۷۷/۷۸-۷۱ پم) و فرهاد سوم (۷۱-۷۰ پم) جای‌گزين وی شدند.

فرهاد در طی فرمان‌روایی‌اش در صدد بهبود اوضاع ناآرام قلمرو خود برآمد. او به دنبال تجهیز سپاهیان خود تا به سوی ماد و نواحی غربی لشکرکشی کند تا بار دیگر نفوذ اشکانیان را در این ناحیه برقرار کند و ماد را تحت سلطه پادشاهان پارتی درآورد، ولی با اوضاع سیاسی خارجی جدیدی مواجه شد (Keal 1994: 276). روم در صدد حمله به ارمنستان بود. از یک سو، تیگران به هم‌راه متحدش مهرداد پونتوسی برای جلب نظر پادشاه پارت تلاش می‌کردند و از سوی دیگر، رومی‌ها فرهاد را به هم‌پیمانی با خود برضد ارمنستان دعوت می‌کردند، اما فرهاد این پیش‌نهادها را نپذیرفت. با این همه، لوكولوس، سردار رومی، در سال ۶۹ پم به محاصره تیگراناکرت، پایتخت ارمنستان، موفق شد. پس از پیروزی‌های ابتدایی روم سرانجام در نبردی که در سال ۶۷-۶۸ پم روی داد، تیگران به پیروزی رسید (Diocassius 1957: vol. XXVI, 425; Dobrowa 2010: 30, 31). به دنبال این شکست، پومپئوس جای‌گزين سردار پیشین روم شد و سفیری را به دربار پارتیان فرستاد تا پادشاه پارت را به اتحاد خود فراخواند. در همین هنگام، ساکنان ماد که موقعیتشان از سوی فرهاد مورد خطر قرار گرفته بود، برای درامان‌ماندن از گزند اشکانیان سفیرانی به نزد پومپه فرستادند و خواستار اتحاد با روم علیه شاهنشاه شدند (Hansman, 1998: 205; Diocassius 1957: vol. XXVI: 425).

کشته شدن فرهاد به دست پسرانش، اُرد دوم (۵۷/۵۸-۳۹ پم) و مهرداد سوم، فرصت مداخله پارتیان در ماد را از بین برد (Diocassius 1957: vol. XL, 429). اُرد دوم و مهرداد سوم بلافاصله بر سر تاج و تخت پدر با یک‌دیگر به نزاع و جنگ پرداختند. دیوکاسیوس مورخ یونانی گزارش می‌دهد که، از این دو پسر، اُرد بر تخت پادشاهی دست یافت و برادرش، مهرداد، به سوی سرزمین ماد، که پیش‌تر نقش مؤثری را در ستیزهای میان شاهزادگان ایفا کرده بود، پیش رفت (ibid.: 435). تفرقه و دودستگی میان شهریاران اشکانی برای رسیدن به پادشاهی بار دیگر مجال برای ساتراپی ماد فراهم کرد تا با سیاست هم‌پیمانی با شاهزادگان مخالف سلطنت این رقابت‌ها را گسترده‌تر کنند و استقلال خود را حفظ کنند. مهرداد برای مقابله با اُرد از گایوس، حاکم سوریه، درخواست

کمک کرد و به او مبلغ زیادی پاداش را وعده داد. با رد درخواست او از سوی رومیان، مهرداد با کمک تجهیزات و سپاهیان ماد و با حمایت برخی از اشراف و بلندپایگان اشکانی که خواهان پادشاهی وی بودند، به جنگ علیه برادرش رفت (Edwell 2013: 196; Hauser 2006: 307). همراهی مادها با شاهزاده پارتی در این زمان به سبب روند موفقیت آمیز دست یابی آن‌ها به خودمختاری بود که در طی کشاکش‌های دربار اشکانی به دست آمده بود. مهرداد سوم توانست بابل و سلوکیه را فتح کند و آن شهرها را از گماشتگان ارد بازستاند. دیری نگذشت که سپاهیان شاهنشاه ارد، به فرمان‌دهی سورنا، مهرداد سوم را شکست دادند و بار دیگر ارد مقتدرانه بر تخت سلطنت تکیه زد (Shapur Shahbazi 1990: 9). شاید بتوان گفت احتمالاً ماد در دورانی که پادشاهان اشکانی اقتدار کم‌تری داشتند، با شدت بخشیدن به اختلافات شاهزادگان و با مداخله در امر جانشینی تاحدودی استقلال خود را حفظ کردند و خود را از سیادت پارتیان مصون نگه داشتند. شواهد سکه‌شناسی نیز از تداوم کاهش نفوذ اشکانیان بر ماد پس از پیروزی ارد یاد می‌کند. سکه‌های کشف‌شده از آغاز پادشاهی ارد دوم در ماد آروپاتن و شوش نشان می‌دهد که ضرب‌خانه اکباتان هم‌چنان در دست خاندان‌های محلی بود (Caley 1955: 45). با وجود این که شواهدی مبنی بر تداوم گرایش‌های استقلال طلبانه ماد در این برهه می‌بینیم، همیشه مادها در تعارض با پادشاهان اشکانی نبودند، چنان‌که پیش‌تر به هم‌پیمانی آن‌ها با پارتیان در برابر سلوکیان اشاره شد. هم‌چنین، دست‌کم آگاهی‌های هنگامی که ارد در ابتدای سلطنتش با لشکرکشی کراسوس، سردار رومی، مواجه شد، ظاهراً گروه‌هایی از سپاه مادها با اشکانیان علیه رومی‌ها هم‌گام شدند، چنان‌که در ادامه این مبحث به آن خواهیم پرداخت. آن‌ها با پیوستن به جناح پارتیان فرمان‌روایی اشکانی را در نبرد با رومیان همراهی کردند.

### ۲.۳ اهمیت ساتراپی ماد در کشاکش‌های اشکانیان با امپراتوری روم

اشکانیان پس از شکست ارمنستان از رومی‌ها تنها قدرتی شدند که دارای سیاست مستقل بودند و توانایی رویارویی با رومی‌ها را داشتند. ارد دوم که پس از پیروزی بر هم‌اوردش، مهرداد سوم، به پادشاهی دست یافته بود، با لشکرکشی کراسوس مواجه شد. کراسوس بدون اعلام جنگ قبلی به سوی فرات آمد. او با سپاهیان‌ش از فرات گذر کرد و به سوی رود بالیخ به راه افتاد و به شهر حران رسید (Shapur Shahbazi 1990: 9)؛ پلوتارک (۱۳۴۷: ج ۴، ۶۹).

گزارش‌های تاریخی درباره تاریخ تحولات سیاسی ایران در دوره اشکانیان نشان می‌دهد که اشراف و شاهک‌نشین‌های مستقل و نیمه‌مستقل که تابعیت پارتیان را پذیرفته بودند، در مواقعی که فرمان‌روایی اشکانی با حملات بیگانگان روبه‌رو می‌شد، به‌هم‌راه نیروهای نظامی و دست‌نشانندگان خود به یاری پادشاهان پارتی می‌آمدند (Heorodian History 1698: 309, 310).

در این میان، هنگام رویارویی اشکانیان با کراسوس علاوه بر آریوبرزن، فرمان‌روای ماد آتروپاتن (علی‌یف ۱۳۹۱: ۱۲۲)، ساکنان ماد سُفلا با وجود آن‌که از ملت‌ها پیش با پارتیان نبرد داشتند، به‌هم‌راه تعداد زیادی از اسب‌هایی که در سرزمین خود پرورش داده بودند به اردوگاه اشکانیان پیوستند (Nikonorov 2002: 12). سرانجام، در نبردی که میان نیروهای پارتی به فرمان‌دهی سورنا، اشراف‌زاده اشکانی، و سپاهیان کراسوس در نزدیکی شهر ایخنه درگرفت، کراسوس شکست خورد و کشته شد (Shapur Shahbazi 1990: 9; Hauser 2006: 309).

هرچند به‌گفته ولسکی سرزمین ماد برای اشکانیان نقش جبههٔ مقدم و سپر دفاعی را در جنگ‌های آنان با سلوکیان و رومیان داشت (ولسکی ۱۳۸۳: ۹۵)، از سوی دیگر، مک داوول (Mcdowell) به بی‌اهمیتی ساتراپی ماد بزرگ در تاریخ سیاسی اشکانیان در مقایسه با ماد آتروپاتن اشاره می‌کند (Mcdowell 1935: 219). شواهد تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی این نظر مک داوول را با تردید مواجه می‌کند. مادها همان‌گونه که در ستیزهای اشکانیان با سلوکیان هم‌پیمان پارتیان شدند و توانستند نقش مهمی در پیروزی اشکانیان ایفا کنند، بار دیگر با پیوستن به جبههٔ اشکانیان آن‌ها را در نبرد مقابل رومیان همراهی کردند. کاوش‌های باستان‌شناسی نیز بر اهمیت ایالت ماد، از جمله هگمتانه به‌عنوان بخش از سرزمین ماد بزرگ که از لحاظ موقعیت نظامی و پایگاه اقتصادی - سیاسی برای فرمان‌روایی اشکانیان دارای اهمیت بود، یاد می‌کنند و هم‌چنین، از آن پایگاه برای مقابله با تهاجمات رومیان بهره می‌بردند (بوشالار ۱۳۹۲: ۲۳۹، ۲۴۰). در واقع، اشکانیان به اهمیت نظامی منطقهٔ ماد به‌سبب یورش‌های سلوکیان و رومیان آگاه بودند و تلاش می‌کردند تا با ساخت استحکامات دفاعی و قلعه‌های نظامی ساتراپی‌هایی را که در مرزهای غربی قرار گرفته بودند مستحکم کنند.

هم‌چنان‌که گفتهٔ آمیانوس مارسلینوس گواه این مدعاست که «ایران را پُر از شهرها و اردوگاه‌های مستحکم و قلعه‌های نظامی کردند (Marcellinus 1914: 346). اُرد پس از مدتی پادشاهی، به‌سبب مرگ پسرش پاکور، از سلطنت کناره‌گیری کرد و فرهاد چهارم (۴۰-۲۳ پم) بزرگ‌ترین پسرش را به پادشاهی برگزید. فرهاد برای تثبیت موقعیت خود و برای رهایی از سلطهٔ اشراف‌زادگان عده‌ای از آنان را به قتل رساند و برخی دیگر از ترس

رفتار پادشاه به روم گریختند. در این میان، مونه‌زس که به رومیان پناهنده شده بود، آنتوان را به جنگ علیه اشکانیان برانگیخت (Dabrowa 2013: 57; Diocassius 1957: vol. XLII, 389). آنتوان، که در خیال حمله به ایران بود، از این پیش‌نهاد استقبال کرد. با آغاز لشکرکشی آنتوان به سوی ایران، مونه‌زس به یک‌باره تغییر موضع داد و دوباره به سوی شاهنشاه اشکانی آمد. در این میان، آرتاوازد، فرمان‌روای ارمنستان، تأمین نیروی کمکی را به او پیش‌نهاد داد. آنتوان از ارمنستان به‌عنوان پایگاه عملیات جنگی استفاده کرد و به‌توصیئه آرتاوازد تصمیم گرفت به ماد آتروپاتن و سپس به اکباتان حمله کند تا هم از حمله سواره‌نظام اشکانی در زمین هموار در امان بماند و هم ماد و نواحی غربی را تصرف کند، اما فرهاد با نیروهایش به سوی میان‌رودان پیش‌رفته بود تا جنگ را در شرق فرات دنبال کند (Diocassius 1957: vol. XLII: 392؛ دوبواز ۱۳۴۲: ۱۰۹). آرتاوازد فرمان‌روای ماد کوچک (علی‌یف ۱۳۹۱: ۲۴) و پادشاه ماد سفلا در کنار فرات به‌حضور شاهنشاه اشکانی رسیدند (Diocassius 1957: vol. XLIII, 215). آنتونی در صدد بود از طریق ارمنستان به ماد آتروپاتن و سپس به اکباتان حمله کند. شهریار پارت با آگاه‌شدن از محاصره ماد کوچک با سپاهی متشکل از سواره‌نظام پارت به مقابله با رومیان پیش‌تاخت (ولسکی ۱۳۸۳: ۱۶۲؛ شیپمان ۱۳۸۴: ۵۳). فرهاد پیش از پیش‌روی به سوی فراسیه، تختگاه ماد آتروپاتن، ابتدا به اکباتان آمد و از سرزمین ماد بزرگ برای سازمان‌دهی نیروهایش و به‌عنوان پایگاهی برای مقابله با رومیان استفاده کرد (Wolski 1980: 412). آنتونی که ارتش خود را به دو دسته تقسیم کرده بود، خود با سپاه بزرگ‌تر پیش‌رفت و همه خدمات تدارکاتی و دستگاه‌های جنگی را با دو فرمان‌ده مأمور کرد که از پشت سر او آهسته حرکت کنند (ولسکی ۱۳۸۳: ۱۶۱). اشکانیان می‌دانستند محاصره ماد کوچک بدون وجود قلعه‌کوب‌ها طول خواهد کشید، به‌دستور فرهاد نیروهای نظامی از اکباتان و بخشی از سواره‌نظام پارت مأموریت محاصره دستگاه‌های جنگی و قلعه‌کوب‌های رومیان را برعهده گرفتند.

سپاهیان پارتی و مادی به دسته دوم نیروهای نظامی روم که از پشت آنتونی را هم‌راهی می‌کردند، یورش بردند و تمامی تدارکات و قلعه‌کوب‌های رومیان را نابود کردند (Wolski 1980: 413). به‌دنبال این شکست، رومی‌ها از ماد آتروپاتن عقب‌نشینی کردند و اشکانیان توانستند آن‌ها را از مرکز فرمان‌روایی خود دور نگه دارند. پس از پیروزی اشکانیان در این نبرد، ستیزه‌هایی میان فرهاد چهارم و پادشاه ماد آتروپاتن برسر تقسیم‌غنایم به‌وجود آمد (Diocassius 1957: vol. XLII, 398؛ دوبواز ۱۳۴۲: ۱۱۲). فرمان‌روای آتروپاتن برای



درامان ماندن از حمله اشکانیان در سال ۳۵ پم پوله‌مون، پادشاه پونت را که در اسارت او بود، با پیش‌نهاد دوستی و تدارک جنگ دیگر علیه اشکانیان به‌نزد آنتونی فرستاد (Diocassius 1957: vol. LII, 293; Dabrowa 2010: 32, 33). این ستیزها سبب خشنودی مارکوس آنتونی شد. او اکنون در تدارک بود تا برای بار دوم به ارمنستان لشکرکشی کند تا در کنار رود آرس با پیوستن به آتروپاتی‌ها عملیات جنگی خود را آغاز کند (Dabrowa 2010: 32؛ دوبواز ۱۳۴۲: ۵۲). سرانجام، در سال ۳۴ پم آنتوان پس از تسخیر پایتخت ارمنستان ناگزیر شد، به‌سبب گرفتاری‌هایی که در روم رخ داده بود، جنگ با اشکانیان را به‌تعویق اندازد و خود را برای جنگ با اکتاویوس مهیا کند (Diocassius 1957: vol. II, 395). مادهای آتروپاتن در ابتدا به‌سبب در اختیار داشتن نیروی کمکی رومیان توانستند مقابل اشکانیان مقاومت کنند، اما دیری نگذشت که آنتوان برای مقابله با اکتاویوس نیروهای خود را به روم فراخواند و سپاهیان پارتی بر آتروپاتی‌ها پیروز شدند و پادشاه آن‌ها را به‌اسارت بردند. احتمالاً در میان نیروهای نظامی اشکانیان برخی از سپاهیان ماد بزرگ هم حضور داشتند؛ چراکه برخی منابع از یاری ساکنان اکباتان به سواره‌نظام پارتی که در فراسپه بودند، اشاره کرده‌اند (Koşelenko 1980: 183).

شاهنشاه پارت پس از رهایی از جنگ با رومی‌ها و تثبیت فرمان‌روایی خود بر ماد آتروپاتن به‌سوی اکباتان، که در هنگام آشفتگی دستگاه پادشاهی از سلطه اشکانیان خارج شده بود، پیش رفت و به تصرف ایالت ماد موفق شد. ظاهراً استقلال‌طلبی و خودمختاری شاهک‌نشین‌ها بنابر شرایط سیاسی و آمدوشد پادشاهان اشکانی در نوسان بوده است (نادری ۱۳۹۷: ۱۱۱). ساتراپی ماد بعد از مرگ مهرداد دوم و در بحران‌های جانشینی که پادشاهان ضعیفی بر سر کار می‌آمدند، نافرمانی کرد و توانست تاحدودی خود را از سلطه پارتیان مستقل کند، اما هنگامی که پادشاه نیرومندی هم‌چون فرهاد چهارم بر تخت سلطنت تکیه می‌زد، حکومت نفوذ بیش‌تری بر ساتراپی‌ها اعمال می‌کرد، به‌طوری‌که پیش‌تر نیز ماد در دوره پادشاه مقتداری چون مهرداد یکم به‌تصرف پارتیان درآمد. ضرب سکه‌هایی از فرهاد چهارم در سکه‌خانه اکباتان از نفوذ دوباره پارتیان بر این سرزمین آگاهی می‌دهد (Keal 1994: 265). باین‌همه، تصرف ماد توسط فرهاد چهارم نشان می‌دهد که اشکانیان به این باور رسیده بودند نباید درقبال تمایلات استقلال‌طلبانه ماد بی‌اعتنا و سهل‌انگار باشند. فرهاد به اهمیت ایالت ماد آگاه بود و درصدد بود جلوی نفوذ بیگانگان را، که از این منطقه حملاتی علیه اشکانیان ترتیب داده بودند، بگیرد. از آن‌پس، احتمالاً ماد به ایالت

دست‌نشانده پارتیان تبدیل شد که حاکمی از خاندان های محلی را برای فرمان‌روایی بر آن منصوب می‌کردند. از آن‌به‌بعد، دیگر در منابع اشاره‌ای به سرزمین ماد بزرگ نشده است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

ساتراپی ماد از اواخر دوران سلوکی با پیوستن به جنبش پارتیان سال‌ها صحنه نبردهای اشکانیان و سلوکیان شد. سپس، با تصرف این ناحیه توسط مهرداد یکم (۱۷۱-۱۳۸ پم) با یاری اشکانیان توانستند زمینه زوال سلوکیان از ایران را فراهم کنند. نخستین شهروان پارتی آگاه از موقعیت مهم ماد با به‌کارگیری سیاست‌هایی هم‌چون برقراری روابط خویشاوندی با مادها و انتخاب مقرر سلطنتی در این ناحیه در تلاش برای تحکیم فرمان‌روایی خود بر سرزمین ماد بودند. اهمیت این منطقه برای پارتیان به‌گونه‌ای بود که می‌توان از آن با عنوان دروازه دفاعی در مقابل یورش اقوام مختلف یاد کرد. هم‌چنین، باید به هم‌پیمانی ایالت ماد با پارتیان در جنگ‌های پادشاهان اشکانی با کراسوس، سردار رومی، و مارک آنتونی اشاره کرد که نقش مهمی در پیروزی اشکانیان ایفا کردند. یافته‌های باستان‌شناسی نیز از اهمیت استراتژیکی شاهک نشین ماد در این دوره گواهی می‌دهد. آن‌ها برای مصون‌ماندن مرزهای غربی از گزند بیگانگان و جلوگیری از رخنه دشمنان به درون قلمرو با ساخت استقرارگاه‌ها و قلعه‌های نظامی در ماد برای مقابله با تهاجمات سلوکیان و رومیان بهره می‌بردند. با وجود این، در عصر ناآرام فرمان‌روایی اشکانی که در سال‌های پایانی پادشاهی مهرداد دوم (۱۲۴-۸۷ پم) به‌وجود آمده بود، حمایت‌ها و مداخله‌های سرزمین ماد در ستیزهای شاهزادگان پارتی برای دستیابی به سلطنت راه‌کاری برای برخورداری از خودمختاری به‌نظر می‌رسید. مادها با پناه‌دادن و یاری‌رساندن به شاهزادگان مخالف سلطنت معارض قدرت شاهنشاه شدند و با شدت‌بخشیدن به این اختلافات بر حفظ استقلال خود کوشیدند. هرچند در این روی‌دادها خودمختاری ماد به‌طور مقطعی دیده می‌شود، تحلیل گزارش‌های تاریخی و شواهد سکه‌شناسی نشان می‌دهد که فعالیت‌های استقلال‌طلبانه ماد را بایستی هماهنگ با شرایط سیاسی و اقتدار شهروان اشکانی در نظر گرفت. در دوره ناتوانی و ضعف دستگاه پادشاهی اشکانیان ساتراپی ماد از سلطه فرمان‌روایی پارتیان خارج شد، اما هنگامی که پادشاه نیرومندی هم‌چون فرهاد چهارم (۴۰-۲۳ پم) به‌سلطنت می‌رسد، با تصرف این ایالت مجالی برای استقلال‌طلبی ماد باقی نمی‌ماند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی بیش‌تر درباره «پرنی»، «داهه»، و خاستگاه اشکانیان بنگرید به Deblois and Vogelsang 1993: 581; Strabo 1928: vol. XI, 275; Lecoq 1986: 151.
۲. در برخی منابع، هم‌چون پولیبیوس (Polybius 2010: vol. X, 330)، عنوان اردوان یکم برای این آرشک به‌کار رفته است، اما ولسکی واقعیت تاریخ پادشاهی را که به‌نام اردوان یکم در این دوره بر تخت سلطنت نشسته باشد، انکار می‌کند و با تکیه بر گزارش ژوستن می‌گوید پسر و جانشین اشک نیز با نام اشک معروف بوده است (بنگرید به بیوار ۱۳۹۲: ۱۲۳-۲۰۰؛ ولسکی ۱۳۸۳).
۳. برخی پژوهش‌گران هم‌چون آلبریخت و فرهاد آثار از با کاسیس با عنوان برادر مهرداد یکم یاد کرده‌اند. برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به:  
Olbrycht (2010), "Mithridates I of Parthia and His Conquests up to 141 B. C, P", p. 239; Assar, "Genealogy and Coinage of the Early Parthian Rulers II", A Revised Stemma, p. 48
۴. گوتشمید (۱۳۸۸: ۱۲۳) از داریوش با عنوان فرمان‌روای ماد آتروپاتن یاد می‌کند، اما نوئل با بررسی سکه‌های داریوش که در ضراب‌خانه اکباتان ضرب شده‌اند، او را حکمران منطقه اکباتان، تخت‌گاه ماد بزرگ، می‌داند. بنگرید به:  
Newell, *The coinage of the Parthian*, p. 480-483.
۵. در این باره، بنگرید به اقرار علی‌یف ۱۳۹۱؛ مارتین شوتهکی، «منابعی درمورد تاریخ ماد آتروپاتنه و هیرکانیا در عهد اشکانیان»، *امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه‌روز.

## کتاب‌نامه

- اذکایی، پرویز (۱۳۸۰)، *همدان‌نامه؛ سه گفتار درباره مادستان*، همدان: مادستان.
- بوشالار، رمی (۱۳۹۲)، «تپه هگمتانه و اکباتان باستان»، ترجمه محسن دانا، در: *مجموعه مقالات یک‌روزه باستان‌شناسی هگمتانه، به‌مناسبت بزرگداشت استاد محمدرحیم صراف*، گردآورنده: یعقوب محمدی‌فر، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی، و گردش‌گری.
- بیوار، ا. د. ه. (۱۳۹۲)، «تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان»، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*، گردآورده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج ۳، قسمت اول، تهران: امیرکبیر.
- پلوتارک (۱۳۴۷)، *حیات مردان نامی*، ترجمه رضا مشایخی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- پیغمبری، حمیدرضا (۱۳۹۷)، «اهمیت سرزمین ماد بزرگ در تحولات ایران در دوره یونانی-مآبی»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، س ۸، ش ۲.
- جلیلیان، شهرام (۱۳۹۶)، «ساختار سیاسی-اجتماعی و دستگاه اداری پادشاهی ماد»، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۹، ش ۲.
- خاراکسی، ایسیدور (۱۳۹۲)، *منزگاه‌های اشکانی*، ترجمه علی اصغر میرزایی، تهران: ماهی.
- دوبواز، نیلسون (۱۳۴۲)، *تاریخ سیاسی پارت*، ترجمه علی اصغر حکمت: تهران: ابن سینا.
- دیاکونف، م. (۱۳۸۷)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: علمی و فرهنگی.
- دیاکونف، م. (۱۳۷۸)، *اشکانیان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۶۸)، *آذربایجان در سیر تاریخ ایران از آغاز تا اسلام*، تبریز: نیما.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶)، *تاریخ مردم ایران؛ ایران قبل از اسلام*، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- شیپمان، کلاوس (۱۳۸۴)، *مبانی تاریخ پارتیان*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه‌روز.
- علی‌یف، اقرار (۱۳۹۱)، *تاریخ آتروپاتن (آذربایجان باستان)*، ترجمه مهناز صدری، تهران: ققنوس.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۶)، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرتیس، وستا سرخوش و سارا استوارت (۱۳۹۲)، *شاهنشاهی اشکانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- گوتشمید، آلفردمن (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران و ممالک هم‌جوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان*، ترجمه کی‌کاووس جهان‌داری، تهران: ققنوس.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۰)، *تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان؛ پارتیان یا پهلویان قدیم*، تهران: دانش‌سرای عالی.
- ملازاده، کاظم (۱۳۹۳)، *باستان‌شناسی ماد*، تهران: سمت.
- ملک‌زاده (۱۳۵۳)، «ضراب‌خانه‌های پارتی»، مجله بررسی‌های تاریخی، پیاپی ۵۳.
- ولسکی، یوزف (۱۳۸۳)، *شاهنشاهی اشکانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

Boyce, M. (2003), "Geopathros, Historical Frigures", *Encyclopaedia Iranica*, vol. xl, New York.

Caley, E. R. (1955), *Chemical Composition of Parthian Coins*, *Numismatic Notes And Monographs*, vol. 129, New York: American Numismatic Society.

Dabrowa, E. (1999), "L'Expedition de Demetrios II Nicator Contre les Parthes (138-139 Avant J. C.)", *Parthica*, no. 1.

- Dabrowa, E. (2010), "The Arsacid and their State", in: *Altertum and Gegenwart al; 125 Jaher At te Geschichte in Innsbruck vortraege der Ringvorlesung Innsbruck*.
- Dabrowa, E. (2013), "The Parthian Aristocracy: It's Social Position and Polifical Activity", *Parthica*, vol. 15.
- Daryaeae, Touraj (2015), "Western and Central Eurasia", *Cambridge World History*, vol. 4, C. Benjamin (ed.), Cambridge.
- Deblois, F. and W. Vogelsang (1993), "Dahae", *Encyclopaedia Iranica*, vol. III, E. Yarshater (ed.), London, Boston, and Henely: Routledge and Kegan Poul
- Diocassius (1957), *Dio's Roman History*, E. Cary (trans.), London, William Heinemann, Cambridge Massachusett, Harvard University Press.
- Fry, N. R. (1985), "Andragoras", *Encyclopaedia Iranica*, vol. II, E. Yarshater (ed.), London, Boston, and Henely: Routledge and Kegan Poul.
- Grainger, J. D. (2015), *The Fall of the Seleukid Empire 187\_75 B. C.*, Great Britania: Pen and Sword Military.
- Hansman, J. F. (1998), "Elymais", *Encyclopedia Iranica*, vol. VIII.
- Hauser, S. R. (2006), "Was There no Pain Stading Army? A Fresh Look on Military and Political Institution in the Arsacid Empire", in: *Markua Mode, Jurgen (Hg): Arms and Armour as Indicators of Cultural Transfer the Steppes and the Ancient World from Hellenisti*.
- Herodian History of the Roman Empire* (1689), C. R. Whittaker (trans.), Loeb Classical Library, London: Harvard University Press.
- Justinus, M. J. (1994), *Epitome of the Philippic History of Pompeius Trogus*, J. C. Yardley (trans.), Oxford University Press.
- Keal, E. J. (1994), "How Many Kings Did the Parthian King of Kings Rule?", *Iranica Antique*, vol. 29.
- Košelenko, G. A. (1980), "Les Cavaliers Parthes Aspects de la Structure Sociale de la Parthie", *Dialogues d'Histoire Ancient*, vol. 6.
- Lecoq, P. (1980), "Aparna", *Encyclopaedia Iranica*, vol. II, E. Yarshater (ed.), London, Boston, and Henely: Routledge and Kegan Paul.
- Lerner, J. D. (1999), *The Impact of Seleucid Decline on the Eastern Iranian Plateau*, Franz Steiner Verlag Stuttgart.
- McDowell, R. H. (1935), *The Coins from Seleucia on the Tigris*, University of Michigan Press.
- Nodooshan, F. Kh., Seyed Sadrudin Mousavi, and Frouzandeh Jafarzadeh (2005), "The Politics of Parrhian Coinage in Media", *Near Eastern Archaeology*, vol. 68, no. 3.
- Olbrycht, M. J. (2010), "Mithradates I of Parthian and His Conquests up to 141 B. C.", in: *Hortus Historiae*, M. Dzielska et al. (eds.), Krakow: Towarzystwo Wydawnicze Historia Iagellonica
- Overtoom, N. L. (2018), "The Power-Transition Crisis of the 160s-130s B. C. E and the Formation of the Parthian Empire", *Journal of Ancient History*, vol. 7, no. 1.

- Pliny (1855), *Natural History*, Translated with Copis Noted and Illustration by John Bostok and H. T. Eily, Scientific Library, Aunited States Patient Office.
- Polybius (2010), *The Histories*, R. Waterfield (trans.), With an Introduction and Notes by Brian MC Ging in the United Stated, New York: Oxford University Press Inc.
- Rawlinson, G. (1873), *Sixth Great Monarchy*, London.
- Schippmann, K. (1986), “Arsacid II. the Arsacid Dynasty”, *Encyclopaedia Iranica*, vol. II, E. Yarshater (ed.), London, Boston, and Henely: Routledge and Kegan Paul.
- Shahpur Shahbazi, A. (1990), “Carrhae”, *Encyclopaedia Iranica*, vol. V, E. Yarshater (ed.), California: Mazda publisher.
- Strabo (1928), *The Geography of Strabo*, H. L. Jones (trans.), London: William Heinemann.
- Strootman, R. (2018), “The Coming of the Parthians: Crisis and Resilience in the Reign of Seleukos II”, in: *The Seleukid Empire, 281–222 B. C. War Within the Family*, K. Erickson (ed.), Swansea: Classical Press of Wales.
- Wolski, J. (1981), “L’Aristocratie Fonciere L’Organisation de L’Armee Parthe”, *klio*, vol. 63.
- Wolski, J. (1988), “Le Titre de ‘rôl de rois’ dans L’Ideologie Monarchique des Arsacides”, *Akademiai Kiado*.